

را از افغانستان و جنوب آسیا به ایران جذب می‌کند. مسلمانان شیعه و سنی جهت ادای احترام به مشهد سفر می‌کردند زیرا که او را از تبار محمد (ص) رسول خدا می‌دانند. تا زمان ظهور صفویان در قرن شانزدهم میلادی حرم متعلق به گروه مذهبی خاصی نبود؛ زائرانش از هر گروهی بودند. (فرهت، ۲۰۰۲: ۷۶) دست کم از اوایل قرن یازدهم میلادی واقفانی سخاوتمند حامی حرم بودند از جمله آنان گوهرشاد همسر شاهرخ تیموری است که یک مسجد جامع به منظور گسترش فضای حرم ساخت. در اواخر قرن ۱۵ میلادی مشهورترین وزیر تیموریان، امیر علی شیر نوایی، یک دارالحفاظ، یک دارالمساکین، و یک صحن جدید ساخت که ادامه حمایت درباری مقامات سنی مذهب در حرم است.

در ۱۵۰۶م با فروپاشی سلسله تیموری، بخت از شهر مشهد برگشت. تا سال ۱۵۱۰م ازبکان، خراسان و مشهد را در دست داشتند. صفویان با شکست ازبکان حاکمان جدید مهم‌ترین مرکز شیعی ایران شدند. با این حال مشهد همچنان هدفی برای یورش ازبکان باقی‌ماند و همچنین اداره شهر و به تبع آن حرم امام‌رضا (علیه السلام) در طی قرن شانزدهم میلادی بین قدرت‌های آن زمان به تناوب دست‌به‌دست می‌شد. زمانی که حرم در اختیار صفویان بود در مقام یک مرکز مذهبی شیعی شناخته می‌شد. (تصویر ۲) برخلاف تصوف و اهمیت سلسله در



تصویر ۲: نمای کلی از حرم امام رضا (علیه السلام)، مشهد.

آرامگاه اردبیل، روحانیان برجسته شیعی دوازده امامی جذب حرم امام‌رضا (علیه السلام) شدند. علاوه بر این یکی از علل ثبات حرم، تولیت دو خانواده سید بود که این مقام را نسل به نسل حفظ می‌کردند. در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی تولیت حرم از افراط‌کاری‌های سیاسی اجتناب کرد و از یورش‌های ویرانگر رهایی جست و بر تکریم خاندان پیغمبر همت گماشت.^۲ با ظهور صفویان در قرن شانزدهم و استقرار شیعه به منزله مذهب رسمی ایران ازبکان حرم را همچون پایگاه صفویان، دشمنان شیعی خویش، می‌نگریستند.

نسخ علمی و مذهبی‌ای که به سال ۱۶۰۷ میلادی بر حرم امام‌رضا (علیه السلام) در مشهد وقف شد، به جایگاه حرم در مقام یک نهاد برتر شیعی مربوط است. آثار وقفی [مقبره شیخ صفی] اردبیل و مشهد علاوه بر ماهیت در چگونگی وقف نیز متفاوت است. در حالی که «حکاک» یا جواهرسازی که کتیبه وقف را بر ظروف چینی [حرم امام‌رضا (علیه السلام)] حک کرده، شناخته شده است، هویت شخصی که کتاب‌ها را برای هدیه به مقبره شیخ صفی انتخاب کرد نامعلوم است. در مقابل، همه کتاب‌های وقفی شاه‌عباس به حرم امام‌رضا (علیه السلام) در بردارنده وقف‌نامه‌ای است به خط علامه روحانی، شیخ بهایی. (تصویر ۱)



با توجه به موضوع علمی و مذهبی نسخه‌ها گویا شیخ بهایی نقش پررنگی در انتخاب نسخه‌هایی که باید به مشهد فرستاده می‌شد، داشته است. با این حال انتخاب حرم امام‌رضا (علیه السلام) برای وقف این آثار و همچنین توجه شاه‌عباس به بنیان و مدیریت آن هردو به اوایل دوره اسلامی ایران و رویدادهای خراسان قبل و بعد از سلطنت شاه‌عباس بر می‌گردد.

حرم امام‌رضا (علیه السلام) پیش از سلطنت شاه‌عباس
در سال ۸۱۸م، علی‌بن موسی‌الرضا (علیه السلام)، امام هشتم شیعیان، در روستایی نزدیک مشهد امروزی، در استان خراسان واقع در شمال شرقی ایران، به شهادت رسید. شیعیان معتقدند که خلیفه عباسی، مامون، دستور مسمومیت امام‌رضا (علیه السلام) را صادر کرد. از آنجا که امام‌رضا (علیه السلام)، تنها امام مدفون در ایران است جایگاه و مقام ویژه‌ای دارد. گرداگرد مقبره [آن حضرت]، حرم و شهری بزرگ توسعه یافت. موقعیت جغرافیایی آن که بر مرز آسیای مرکزی، و دور از حرم دیگر امامان شیعی عراق و شهرهای مقدس مکه و مدینه است، دایماً زائرانی

چگونگی وقف آثار هنری و بازسازی حرم امام‌رضا (علیه السلام) در دوره شاه عباس اول (۱)

برگرفته از کتاب شاه عباس و بازسازی ایران^۱
شیلار، کتی/ ترجمه نگرس سیویه*

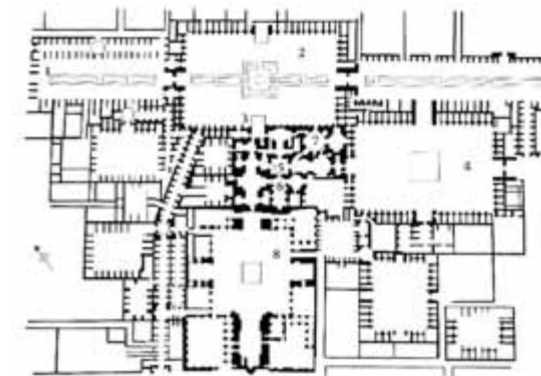
کتاب شاه عباس و بازسازی ایران کتابی است که به مناسبت برگزاری نمایشگاهی در موزه بریتانیا در سال ۲۰۰۹م و با همکاری موزه ملی ایران به چاپ رسید. نویسنده این کتاب شیلار، ر. کتی از محققان مشهور هنر دوره صفوی است که تا کنون چند تألیف از او به زبان فارسی ترجمه شده است. به طور کلی کتاب مورد بحث در بردارنده پنج فصل اصلی و بخش‌های فرعی، تصاویر کم نظیری از آثار هنر اسلامی ایران در ۲۷۳ صفحه است. محور اصلی کتاب شخصیت و اقدامات شاه عباس اول صفوی در گسترش و توسعه چند شهر مهم ایران از جمله اصفهان، مشهد، قم، و اردبیل است. در این بررسی‌ها نویسنده به چگونگی ساخت، تعمیر و بهسازی مجموعه‌های معماری پرداخته و در ضمن آن چگونگی وقف آثار هنری هر یک را نیز بررسی کرده است. یکی از بخش‌های این کتاب مجموعه حرم امام‌رضا (علیه السلام) در مشهد است که نویسنده با استفاده از منابع تاریخی ضمن بررسی جایگاه شاه‌عباس در بازسازی مجموعه حرم امام‌رضا (علیه السلام) پس از حمله ازبکان از آثار هنری وقف شده بر حرم در حکم شواهد تاریخی این بازسازی‌ها یاد می‌کند. نوشتار حاضر ترجمه بخشی از فصل مربوط به حرم امام‌رضا (علیه السلام) است که با برشمردن تفاوت آثار وقفی شاه عباس بر حرم امام‌رضا (علیه السلام) و مقبره شیخ صفی در اردبیل آغاز می‌شود و سپس مختصراً تاریخ حرم در دوره صفوی و نقش شاه عباس در بازسازی حرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم آن که به معرفی و بررسی آثار هنری این مجموعه می‌پردازد در شماره آینده عرضه خواهد شد. (مترجم)

* کارشناس صنایع دستی



مروری بر اوقاف حرم در دوره صفوی

همانند مقبره [شیخ صفی] در اردبیل حرم امام رضا (علیه السلام) به طور منظم در اطراف اتاق مقبره امام توسعه یافت. حتی در قرن چهاردهم یک ضریح چوبی نقره کوب از آرامگاه حفاظت می کرد که بالای آن قندیل های نقره آویخته بودند. (فرهت، ۲۰۰۲: ۶۸)^۲ امام رضا (علیه السلام) را در کنار قبر هارون الرشید خلیفه عباسی به خاک سپردند. شهرت امروزه هارون از داستان هزارو یکشب است.^۳ هارون در سال ۸۰۹م در حین سرکوب یک شورش در خراسان از دنیا رفت. پس از ویرانی های تیمور در اواخر قرن چهاردهم میلادی/هشتم و اوایل نهم هجری حرم با درآمدهای حاصل از اوقاف، چند مدرسه، گنبد و شبستان و صحن گسترش یافت. (تصویر ۳)، ثروت انباشته شده در حرم و شهر، توجه ازبکان غارتگر را جلب کرد به طوری که آنان در طی سال های ۱۵۴۸ تا ۱۵۷۰ ق چهار بار به مشهد یورش بردند. (تصویر ۴) در این زمان مشهد



تصویر ۴

تحت کنترل صفویان بود و شاه تهماسب و خانواده اش این اقبال را یافتند که بازسازی کالبدی حرم را با جایگاه نمادین آن به منزله پایگاه سلسله صفوی همراه کنند؛ سلسله ای که با رسمی کردن مذهب شیعه دوازده امامی استقرار یافته بود.

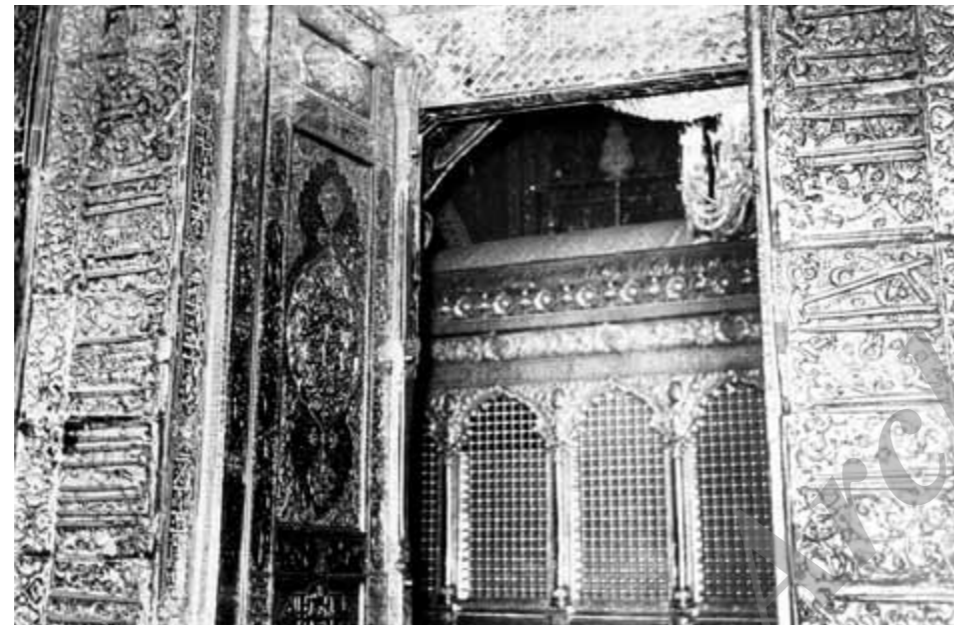
شاه تهماسب در سال ۱۵۳۴م توبه کرد و در طی آن استقلال خویش را از طوایف قزلباش اعلام کرد. آنان از زمان به قدرت رسیدن شاه تهماسب جنگ هایی برانگیخته بودند. او هزینه پوشش گنبد طلای بارگاه امام رضا (علیه السلام) را پرداخت و همچنین مناره های با روکش طلا بنا کرد. پس از اینکه صفویان عراق را به عثمانی ها واگذار کردند جایگاه مشهد به منزله مقر اصلی زیارت شیعی برای ایرانیان تثبیت شد. زوار حرم امام رضا (علیه السلام) تمایل دارند تا حد امکان به قبر امام نزدیک شوند و ضریح را لمس کنند و در آغوش کشند با توجه به تعداد فراوان این زائران ضریح چوبی نقره و طلاکوب فرسوده می شد و مرتباً نیازمند تعمیر و تعویض بود. این امر فرصتی بود برای شاهان صفوی که با فرمان ساخت ضریح برای آرامگاه جایگاه مذهبی خویش را بیشتر تثبیت کنند. در سال ۵۱-۱۵۵۰ شاه تهماسب گروهی را جهت ساخت ۱۶۶ لوحه طلای حکاکی شده با سوره «الانسان» جهت پوشاندن مقبره امام به کار گماشت. (کنبی، ۲۰۰۷: ۶۵) همچنین مهین بانو خواهر شاه تهماسب زندگی اش را وقف امور خیریه کرد. او که با نام «سلطانم» نیز شناخته می شود، پنجره فولاد طلایی و طاق های مرصع با سنگ های قیمتی را برای یکی از گنبد های حرم سفارش داد. (اسزوپر، ۱۹۹۵: ۲۵۱) او همچنین مکرراً جواهرات، سلاح و ظروف چینی را وقف بر حرم کرد. گمان می رود یکی از این ظروف چینی به جا مانده باشد. از آن جواهرات چیزی به جا مانده و ظروف چینی محفوظ در حرم پس از قرن شانزدهم به حرم راه یافته است. یک ظرف چینی آبی و سفید که با خوشه ای انگور تزیین شده نمونه کاملی است از اوایل قرن پانزدهم که بر آن چنین نوشته اند: «مهین بانو این ظرف را بر حرم رضوی وقف کرد». نوشته دیگری بر پایه ظرف نام شاه جهان امپراتور مغول و تاریخ ۱۶۴۴/۱۰۵۳ ق را در بر دارد.

ابوالعلا سودآور که نخستین بار تصویر این ظرف را منتشر کرد این سؤال را پیش می کشد که چگونه این ظرف چینی که بر حرم امام رضا (علیه السلام) وقف شده بود هشتاد سال پس از مرگ مهین بانو از مجموعه سلطنتی مغولان گورکانی هند سر در آورده است؟ (سودآور، ۱۹۹۸: ۱۲۸) در سال ۱۵۹۰م مشهد از حمله یکی از شاهان ازبک آسیب جدی دید. او مدافعان شهر را تا حرم تعقیب کرد، ملتزمین حرم را کشت، و گنجینه حرم را غارت کرد. به گمان فراوان این بشقاب در میان غنایم ازبکان بود که یک زمانی بین ۱۵۹۰ تا ۱۶۴۴م به دربار مغولان رسید.

شاه عباس در سال ۱۵۸۷م، سال به قدرت رسیدنش، چندان با مشهد بیگانه نبود. او از هفت سالگی حدود نُه سال در خراسان زندگی کرده بود و آخرین سال از این دوره را در مشهد گذراند. در این سال که همراه محافظش مریدقلی خان روانه قزوین شد تا سلطان محمدخدا بنده را عزل نماید، ازبکان در حال توطئه برای محاصره هرات بودند. اگرچه اشغال خراسان از سوی ازبک ها دوامی نداشت، میل به غارت و چپاول برای آنان عادتی ماندگار بود. غارت حرم امام رضا (علیه السلام) به سال ۱۵۹۰ در قیاس با دیگر غارت ها بسیار مخرب تر بود. بنابر گزارش ها آنان علاوه بر سرقت گنجینه حرم و قتل عام مردم، به آرامگاه شاه تهماسب که در محوطه حرم بود بی حرمتی کردند. این عمل که اوج بی احترامی به تبار صفویه بود جایگاه شاه عباس را در مقام حامی اجدادش تضعیف کرد. اما سرکرده ای که ازبکان او را جهت انتقال استخوان های

شوند.^۵ نیرنگ شاه گرفت، و ازبکان شکست سختی خوردند. در ۲۹ جولای ۱۵۹۸م شاه عباس زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) را به جا آورد. هنگامی که شاه گنبد حرم را رؤیت کرد سر سجده بر خاک نهاد و از سر شوق گریست. سپس با پای پیاده و بدون کلاه به سمت حرم رهسپار شد. پس از اتمام مراسم زیارت، دارایی های حرم را بررسی کرد و آن را در وضعیت بدی یافت؛ زیارتگاهی عاری از چلچراغ های طلا و نقره. هیچ یک از اشیای وقفی حرم باقی نمانده بود جز نرده طلا گرداگرد آرامگاه. (اسکندریک، ۱۹۷۸: ۷۰۴)

شاه عباس پس از سه روز مشهد را ترک کرد اما به نظر می رسد که شماری از ملازمان غیر نظامی اش تا ماه محرم در مشهد باقی ماندند. رضاعباسی در یک نگاره مورخ دهم محرم یک زائر را ترسیم کرده است. (تصویر ۶) برای هنرمندی که در کتابخانه شاه عباس کار کرده بود

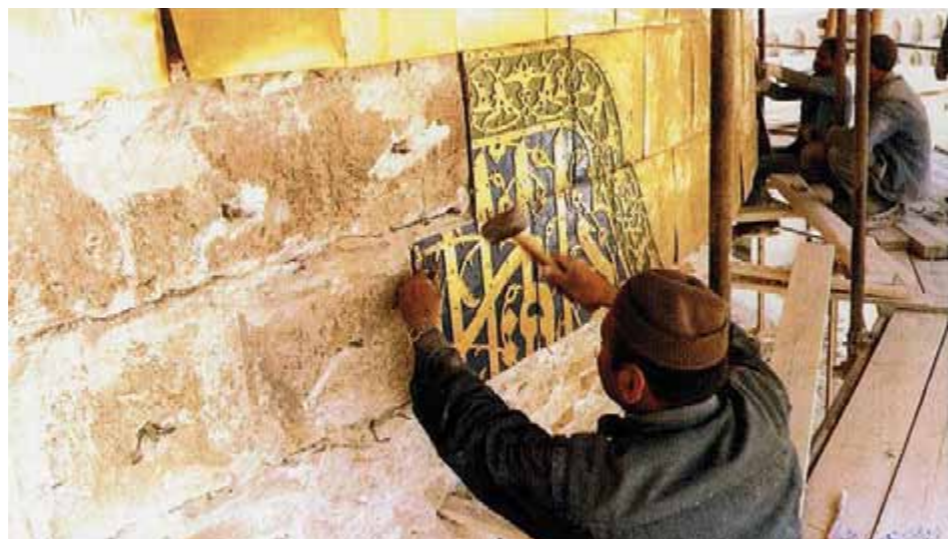


تصویر ۵. ضریحی که قبر امام رضا (علیه السلام) را در بر گرفته است. حرم امام رضا (علیه السلام)، مشهد

شاه تهماسب به آسیای مرکزی گماشته بودند، استخوان ها را به طبس برد. شاه عباس هم که مطمئن بود آن ها را به اصفهان می آورند نمایشی برای استقبال از آن ها برپا ساخت. (اسکندریک، ۱۹۷۸: ۷۰۴)

علاوه بر ضرورت اقتصادی-سیاسی بازسازی خراسان و مشهد، احتمالاً شاه عباس برای اداره حکومت ضرورت اعاده حیثیت خاندانش در حرم را نیز احساس کرد. سرانجام شاه عباس در حدود سال ۱۵۹۰م آماده نبرد با ازبکان شد. اگرچه بزرگترین دشمنان ازبک هر دو در گذشته بودند، ازبکان آماده دفاع از خراسان در برابر صفویان بودند. شاه عباس حيله ای اندیشید که براساس آن ازبکانی که در هرات بودند به نبرد با فرهادخان کشیده

خلوص و معنویت حرم امام رضا (علیه السلام) و تعداد و تنوع زایران می توانست تأثیرگذار باشد. نقاشی های او از زایران چیزی بیش از یک روز تابستانی گرم و غبارآلود خراسان را بیان می کند، او در آثارش یک شور و تفکر عمیقی را بیان می کند که زوار امام رضا (علیه السلام) در آن روزهای مقدس تجربه کرده بودند. همچنان که در توصیف زیارت شاه عباس از حرم امام رضا (علیه السلام) در سال ۱۵۹۰ یاد شد مراسم زیارت فقط بخشی از انجام وظایفش بود. او در این زمان خسارت ها و صدمات ناشی از تصرف ازبکان را برآورد کرد و جلساتی را با کارکنان حرم برگزار کرد. او چلچراغ ها، شمعدان ها، فرش ها و وسایل سرفت شده در زمان ازبکان را جایگزین کرد. یکی



تصویر ۸. هنرمندی در حال تعمیر کتیبه طلایی گنبد حرم امام رضا (علیه السلام)، مشهد، در اینجا هنرمند ورقه‌های طلای کتیبه را بر صفحات مینکاری شده بر دیوار گنبد نصب میکند.

شوند، بسته به محل دفن‌شان [نزدیکی یا دوری از قبر امام] هزینه‌ای دریافت می‌کردند. البته اعضای خاندان صفوی از پرداخت آن معاف بودند. درآمد این کار برای بازسازی بنا و هزینه روشنایی حرم استفاده می‌شد. دو تن از بلندپایه‌ترین شخصیت‌های دوره شاه‌عباس، الله‌وردی خان و حاتم‌بیگ اردوبادی آرامگاه‌هایی نزدیک مقبره امام ساختند. حاتم‌بیگ در سال ۱۶۱۰-۱۱ از دنیا رفت و الله‌وردی خان تا سال ۱۶۷۳م همان‌سالی که ساخت آرامگاهش خاتمه یافت در قید حیات بود. براساس گفته‌های کتیبه‌های مقبره الله‌وردی خان احادیثی است که بر اهمیت زیارت آرامگاه امام رضا (علیه السلام) تأکید می‌کند. ظاهراً شاه‌عباس این عقیده دوره تیموری را احیا کرد که می‌گفتند: «زیارت مشهد در عید قربان ثواب سفر حج را دارد». (فرهت، ۲۰۰۲: ۱۹۸) درحالی‌که عموماً این عقیده را پذیرفته‌اند که شاه‌عباس تمام کتاب‌های عربی‌اش [مذهبی] را در سال ۱۶۰۷-۸ بر حرم امام‌رضا (علیه السلام) وقف کرد؛ وقف‌نامه‌هایی که شیخ‌بهایی برای این موقوفات نوشته جریان دیگری را فاش می‌کند. این وقف‌نامه به جای اینکه تاریخ ۱۶۰۷-۸ داشته باشد، تاریخ ۱۵۹۹م/۱۰۰۸ق و ۱۶۰۰م/۱۰۰۹ق را در بر دارد. شیخ‌بهایی در زمره افرادی بود که شاه‌عباس را در سفرش به مشهد در سال ۱۵۹۸م همراهی کرد. به نظر می‌رسد او از تابستان ۱۵۹۸م چند ماهی در مشهد ماند، چراکه علما و سادات برای حضور در مکتب‌خانه‌ای که در حرم دایر کرد علاقه نشان می‌دادند. [شیخ‌بهایی] افزون بر نوشتن وقف‌نامه‌های سال ۱۵۹۸م، ظاهراً پیش از ترک اصفهان در انتخاب کتاب‌هایی که باید به حرم امام‌رضا (علیه السلام) وقف می‌شد، دست‌داشت. مهم این است همه نُسَخ وقفی از سوی شاه‌عباس از سر عشق و ارادت او به چهارده‌معصوم به حرم

که شمار قابل توجهی از کالاها و آثار هنری نیز از هند به ایران رسیده است. به‌علاوه هنگامی‌که سفیران امپراطور گورکانی هند و پادشاهان دکن هدایای سخاوتمندانه‌ای را برای شاه‌عباس پیش‌کش می‌کردند، اشیاء کاربردی از آثار فلزی تا منسوجات در مشهد معامله می‌شد. علیرضاعباسی علاوه بر کتیبه‌های بیرونی گنبد مرقد امام‌رضا (علیه السلام) کتیبه‌ای را به‌صورت الواحی از طلا برای ضریح نوشت که هجده عدد از آن‌ها هم‌اکنون در موزه آستان‌قدس نگهداری می‌شود. بر خلاف الواح دوره شاه تهماسب، آثار علیرضاعباسی ورقه‌های طلاست که با آن متنی به خط نستعلیق بر زمینه‌ای از کاشی به‌صورت نقش برجسته اجرا کرده‌اند؛ سبک ظریف و گل‌داری که با شیوه زمان شاه‌عباس مطابقت دارد. علی‌رضاعباسی که از خانواده‌های تبری‌زی بود ابتدا در قزوین خط‌ثلث را آموخت. پیش از پیوستن به کتابخانه شاه‌عباس از سال ۱۵۹۱ تا ۱۵۹۳م برای فرهادخان قرمانلو در خراسان و مازندران کار می‌کرد. اخیراً کتیبه‌ای در خراسان یافت‌شده است که کاتب نام خویش را «علیرضا» رقم‌زده است. او پس از پیوستن به دربار شاه‌عباس لقب «عباسی» را برگزید.^۷ او ندیم و ملازم شاه‌عباس بود و در سفر و حضر شاه را همراهی می‌کرد. علیرضاعباسی برای مهارت هنری و وفاداریش به شاه و در مقام رییس کتابخانه سلطنتی مزد می‌گرفت. علاوه بر این کتیبه‌های مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد شاه اصفهان را به دستور شاه نوشت. او همچنین یک نسخه قرآن و قطعات اشعاری را نیز کتابت کرد. نسخه قرآنی که به قلم زر نوشته است در کتابخانه حرم امام‌رضا (علیه السلام) نگهداری می‌شود. شاه‌عباس در طول اقامت‌اش در مشهد (۱۶۰۱-۲) جدولی منطبق با درآمدها دایر کرد که براساس آن از مردمی که آرزو داشتند در نزدیکی حرم امام‌رضا (علیه السلام) دفن

از نفایس این دوره فرش زمینه لاک‌ی اصفهان است که اکنون در حرم نگهداری می‌شود و به‌نظر می‌رسد هدیه شاه‌عباس بوده است یا از فرش‌های مربوط به زمان مرمت حرم در سال ۱۵۹۸ است. شاه تا سال ۱۶۰۱ به تعمیر و بنای حرم پرداخت. در این سال او همچون یک زائر با پای پیاده به حرم سفر کرد، سفری در حدود ۹۶۵ کیلومتر از اصفهان تا مشهد. به گفته اسکندربیک منشی شاه و گروه کوچکی از درباریان در طی ۲۸ روز به مشهد رسیدند که با پای پیاده حدود ۳۲ کیلومتر در روز است. چارلز ملویل این سفر را ۶۶ روز تخمین زده است. (ملویل، ۱۹۹۶: ۲۰۸) اسکندربیک منشی سختی‌ها و مشقت‌های سفر شاه‌عباس را با هراکلیوس یکی از امپراطوران بیزانس که قسطنطنیه تا ارشلیم را با پای پیاده اما روی فرش‌هایی که از پیش گسترده مقایسه کرده است. شاه‌عباس از دسامبر ۱۶۰۱ تا مارس ۱۶۰۲م را در مشهد گذراند. او در این مدت کمبودهای تزیینی و معماری حرم را بررسی کرد و وظایف دون‌مآبانه‌ای را از سر صدق و محبت انجام داد. افزون بر اهداء یک جفت در جواهرنشان برای اتاق بقعه، گنبد آرامگاه را نیز زران‌دود کرد و به ساخت یک کتیبه به ارتفاع ۱۰۶ سانتی‌متر به‌عنوان یادبود زیارتش فرمود. این اثر را کمال‌الدین محمود یزدی در سال ۱۶۰۶-۷/۱۰۱۵ از روی خط علیرضا عباسی ساخت. گنبد را با طلا و الواح آجری زران‌دود مزین کردند در حالی که کتیبه‌ها ترکیبی از قطعات مینکاری شده با اسلیمی‌های سفید است. اگرچه به‌نظر می‌رسد که کتیبه‌های ثلث بر لوحه‌های مینکاری شده آب کاری [طلا] شده، عکس‌های بازسازی گنبد در اواخر قرن بیستم نشان می‌دهد که این کتیبه‌ها درواقع، ورقه‌های طلاست که حروف را به‌صورت مشبک بریده و بر زمینه مینا کاری شده آن الصاق کرده‌اند. (تصویر ۸) این فن بدیع زمانی تأثیرگذار است که کتیبه مینا در این دوره غیرمعمول است؛ درواقع، محققان جواهرات هندی معتقدند که در این دوره در ایران لعاب مینایی استفاده نمی‌شد و جواهرسازان اروپایی در اواخر قرن شانزدهم و اوایل هفدهم آن را به هندیان شناساندند و پس از این زمان است که این فن به مناطق دیگر گسترش یافت. (کینی، ۲۰۰۱: ۶۲) استفاده وسیع از لعاب مینا در این بنا چنین می‌نماید که احتمالاً یا صنعتگران هندی یا هنرمندان ایرانی آشنا با این فن برای این امر به‌کار گرفته شده بودند. یک شمعدان ساخت لاهور، که بر طبق کتیبه‌اش به سال ۱۵۳۹ بر حرم وقف شده است، شاهد دیگری است از تبادل کالا با هند. در این دوره یک ابریق سرامیک منقوش با کتیبه در بردارنده نام محمد معمار یزدی و یک ابریق فلزی ایرانی، هر دو شکلی دارند که گویی از نمونه‌های نخستین آثار مسلمانان هندی مشتق شده‌اند. مهاجرت شاعران، هنرمندان و صاحب‌منصبان ایرانی به هند در قرن شانزدهم میلادی این فرض را پیش می‌کشد که تفکر و فرهنگ، غالباً از غرب به شرق [از ایران به هند] رفته است؛ این آثار هنری و سابقه روابط تجاری بین دو منطقه ثابت می‌کند



تصویر ۶. زائری در مشهد، مرقومه رضا عباسی، با تاریخ حرم ۱۰۰۷ ق. مرکب بر کاغذ، کاری فرید موسسه استن، تصویر ۷.



تصویر ۷.



شمار زیادی از نقاشی‌های این سبکی از هنرمندان ناشناس به جا مانده است که تأثیر سبک رضا عباسی و صادقی بیک افشار را نشان می‌دهد.

زیارت امام رضا (علیه‌السلام) نزد ایرانیان متوقف نمی‌شد. اگرچه حمله ازبکان در سال‌های ۱۵۸۹ تا ۱۵۹۸ م گاه این اشتیاق را کم می‌کرد، آن را متوقف نکرد. پیکره‌های خمیده تنها در سرزمینی بایر افراد خلوت گزیده را که مشقت‌های سفر با پای پیاده تا حرم امام رضا (علیه‌السلام) را مشتاقانه تحمل می‌کنند نشان می‌دهد. به رغم علائم نشان‌دهنده سن پیکره طرز ایستادن، ریش بلند و پیشانی چروکیده و چشمانی که بر نقطه‌ای فراتر از تصویر متمرکز شده است در دهه دوم قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری دستخوش تغییر شد.

در چهره‌نگاری درباریان جوان سبک صورت نگاری، طیف رنگی، پارچه‌ها همگی بازتابنده سبکی نو در قوس‌های تند و فرم‌های سنگین‌تر و نیم‌تنه‌ها و شلوارهای زریفت و سیمین است. در طراحی‌های شیخ‌های پیر و درویش، از خطوط ضخیم‌تر و قوسدار مانند آنچه زیر ران پیکره است و ضخیم به نظر می‌رسد استفاده کرده است. در طراحی این دوره علاقه به فرم‌های بیضوی و وزین نمایش یافته است. احتمالاً این طراحی را برای تقدیم به کسی در شب نوروز در نظر گرفته‌اند. از سه قلم و دوات و کتابی که کنار پیکره است می‌توان حدس زد که او کاتب است.^۱ صورتش به اثر دیگری از رضا به تاریخ ۱۶۲۲ م شباهت دارد و به طور کلی چنین می‌نماید از سال ۱۶۲۰ م او گروه زیادی از تصاویر مردان ریش‌دار را چنین شکل داده است. علیرغم ویژگی‌های متمایزکننده آثار به گمان فراوان بینی عقابی‌شکل، ابروهای نامرتب، و ریش‌هایش نمونه‌ای است از یک پیکره آرمانی که به عرفا و اهل ذوق مرتبط می‌شود. نفوذ نگاه و محکمی انگشتان خمیده‌اش در دستی که به سمت سرش آورده نشان دهنده بینش و هوشیاری ویژه‌ای است که از ویژگی‌های معمول چهره‌نگاری افراد سالخورده در آثار رضا عباسی است.

در سال ۱۶۲۶ م شاه عباس شش ماه در عراق بود و از بغداد در مقابل عثمانیان دفاع می‌کرد. اگرچه ممکن است او در این سفر نقاشانش را نیز با خود برده باشد، بعید می‌نماید رضا عباسی که در این زمان چهلمین سال فعالیتش است همراه شاه در منطقه جنکی بوده باشد. بلکه به نظر می‌رسد او در اصفهان مانده و طیف وسیعی از مردم، از جوان‌ها و مرفهین تا درویش و عرفا را به تصویر می‌کشید است.

(تصویر ۱۰)

زائر سالخورده

اصفهان، اواخر قرن دهم و یازدهم هجری / شانزدهم و هفدهم میلادی

مرکب روی کاغذ؛ ابعاد: ۹/۷ x ۵ س.م

موزه بریتانیا (ME ۰۰۹۱۷۰۰۲۷۹، ۱۹۲۰)

گسترش صحن‌ها و تدارک آب همان چیزی است که زائر بدان نیازمند بود و همین امر حرم را مهیای پذیرش شمار زیادی از زائران کرد. همانطور که چارلز ملویل می‌گوید حمایت سلطنتی از حرم امام رضا (علیه‌السلام) به گمان فراوان یک‌جنبه اقتصادی نیز داشت. (ملویل، ۱۹۹۶: ۱۷ - ۲۱۶) تشویق زوار برای مسافرت به مشهد به جای مکه، مزیت منع خروج طلا از ایران را به همراه داشت، همچنین سرمایه‌گذاری در بازسازی حرم به احیاء اقتصاد منطقه کمک کرد. منطقه‌ای که از یورش‌های ازبکان آسیب فراوان دیده بود. مشهد محلی تجاری ملی بر مسیر جاده شرق و غرب از هندوستان بود. پس تمام طرح‌های زیربنایی مانند کاروان‌سراها، بازارگانان را نیز بهره‌مند ساخت. برخلاف اردبیل، مشهد در جذب میلیون‌ها زوار موفق بوده است. حرم امام رضا (علیه‌السلام) وسیع‌تر و شهر آبادتر شده است. اگرچه شاه‌عباس از مرمت و آبادانی حرم در جهت اهداف سیاسی‌اش بهره گرفت. موقوفات و برنامه‌ریزی‌اش برای شهر زمینه‌ای برای جلب سخاوتمندان و واقفان و به تبع آن تداوم حمایت از آبادانی حرم فراهم کرد. پایان تسلط صفویان چیزی از اهمیت حرم نکاست زیرا جایگاه امام رضا (علیه‌السلام) نزد مردم بسیار والاتر از حقانیت سیاسی شاهانی بود که می‌کوشیدند با انتساب خاندان خویش به ائمه جایگاهی برای خویش دست و پا کنند. همان‌قدر که جریان عمومی ایران به سوی شیعه‌گری پیش رفت زیارتگاه‌های عمده جهت ارضای نیازهای مذهبی مردم در تأیید شریعت و در پس آن تأیید ادعای تبار مذهبی شاهان به خدمت گرفته شد.

مونه ۱

پیش از آنکه شاه عباس مشهد را از تسلط ازبک‌ها در سال ۱۵۹۸ در بیاورد، هنرمندان دربارش، زوار، شیخ‌ها و درویش را برای گنجاندن در مجموعه‌های نقاشی و خط [مرفع] نقاشی می‌کردند.

تهیه این آثار بر خلاف نسخ مصور به همکاری نقاش و خطاط و صحاف و کتابدار نیازمند نبود بلکه این طرح‌های خطی ارزان، سریع، و آسان بود و برای فروش عرضه می‌شد. در دهه آخر قرن شانزدهم میلادی / دهه نخست قرن یازدهم هجری سبکی در نگارگری ایران گسترش یافت که به برخورد خوشنویسانه با خط تأکید داشت. در این تصویر کوچک از زائر ناشناس با تغییر ضخامت خطوط نقاش کوشیده است حجم و حرکت ردا را به بیننده القا کند. سایه‌ها با خطوط هاشوری و گاه نقطه‌گذاری و چین‌های عمده و انتهای شال با حرکت سریع قلم نمایانده شده است. علیرغم اندازه کوچک تصویر نقاش طیف وسیعی از رنگ‌ها را ترکیب کرده است. از صخره‌های قرمز در پس زمینه تا دو درجه قهوه‌ای مایل به زرد برای شالگردن و ردا و تیره روشنی‌های سفیدی عمده.

امام رضا (علیه‌السلام) تقدیم گردید. همان‌طور که مک کینسنی پیشنهاد کرده است احتمالاً اسکندر بیک منشی در ذکر وقفیات سال ۱۶۰۷-۸ م دو یا سه وقف جداگانه را یکی کرده است. (مک کینسنی، ۱۹۸۱: ۱۸۲-۳)

شاه‌عباس در سال ۱۶۱۲ م برای دهمین بار حرم را زیارت کرده و در طی آن فرصت کافی برای تحلیل و بررسی نیازهای معماری مجموعه را داشت. او در این سال بود که تغییراتی را جهت توسعه فضای حرم آغاز کرد.

او یکی از صحن‌ها [صحن عتیق] را طوری تغییر داد که ایوان امیر علی شیر نوایی مستقیماً مقابل ایوان دیگر قرار گیرد. او همچنین صحن دیگری به این مجموعه افزود که از طریق یک خیابان و جویباری که از مرکز آن جاری می‌شد به شهر متصل گردید. همچنین سقاخانه‌ای برای نزدیک‌ترین صحن به آرامگاه امام رضا (علیه‌السلام) ترتیب داد که هنوز هم برقرار است. (تصویر ۹)

تصویر ۹: نمایی از سقاخانه در صحن عتیق



نمونه ۲

این قرآن در قرن نهم، پیش از پیدایش کاغذ در خاورمیانه بر پوست نوشته شده است. گفته‌اند دست‌نوشته از مجموعه شاه عباس دوم - بزرگ‌ترین نوه شاه عباس اول - بیرون آمده است. ممکن است او این قرآن را از دارایی خاندان صفوی از ده‌ها سال پیش به ارث برده باشد. همان‌طور که قرآن‌های محفوظ در حرم امام‌رضا(علیه‌السلام) شهادت می‌دهند خاندان صفوی در جمع‌آوری و مجموعه داری قرآن‌ها به اندازه ظروف چینی فعال بودند. با این حال انگیزه آن‌ها برای جمع‌آوری قرآن‌های اولیه متفاوت بود از علاقه شان به جمع‌آوری ظروف چینی. در حالی که ظروف آبی و سفید زیبا و جذاب دانسته می‌شدند و تاریخ شان به ندرت به پیش از قرن پانزدهم میلادی می‌رسید، برخی از قرآن‌ها که به ائمه اطهار منسوب بودند نه تنها کمیاب بودند که ادعای صفویان مبنی بر حقانیت ائمه بر ولایت پیامبر صحه می‌گذاشت. (پلر، ۲۰۰۶: ۱۰۲)

وقف شاه‌عباس بر حرم امام‌رضا(علیه‌السلام) در سال ۱۶۰۶-۸ شماری زیادی از قرآن‌های اولیه را در بر می‌گرفت. احتمالاً شیخ بهایی، بالاترین مقام مذهبی کشور شاه عباس را برای وقف این آثار راهنمایی کرد. در حالی که در متن وقف‌نامه‌ها شاه را در اینکه تمام آثارش را به حرم تقدیم کرده است ستایش کرده‌اند درواقع، این موقوفات تنها گزینشی از همه مجموعه آثار شاه بوده است و ظاهراً شاه برخی را برای خودش نگه داشت، شاهد آن نسخه‌ای است که در کتابخانه سلطنتی نگهداری می‌شود. خط این نسخه کوفی است و مشخصه‌اش شکل زاویه‌دار حروف، کشیدگی، و حداقل استفاده از علایم صدادار

و استفاده ناقص از نقطه است. حروف خط کوفی در قرن هفتم میلادی/ اول هجری همراه با خط مدوری که برای استفاده‌های عادی و اداری بود توسعه یافت. اگرچه نامش برگرفته از نام شهر کوفه، شهر بنا شده به دست مسلمانان در سال ۶۳۸م در عراق است، به گمان فراوان مأخذ اصلی آن همان‌جایی است که اول بار قرآن برای تازه مسلمانان نسخه‌برداری شده بود. قرآن کامل این‌چنینی دربردارنده سی بخش است که این یکی از آنهاست. اواخر قرن شانزدهم میلادی/ دهم هجری قرآن‌های منسوب به امام علی(علیه‌السلام) به تعدادی بود که قاضی احمد قمی نویسنده کتاب تاریخ خطاطان و نقاشان گوید:

«بعد از آن خطی که دیده‌ام اولوالابصار را سرمه وار به‌وحی الهی و اوامر و نواهی حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و اله و سلم روشنایی می‌بخشید خط کوفی بود و ارقام معجز نظام حضرت شاه ولایت پناه سلام الله علیه در میان است که چشم جان را ضیاء و لوح ضمیر را جلا کرامت می‌فرماید و خوشتر از آن حضرت کس دیگر ننوشته». (قاضی احمد، / مینورسکی، ۱۹۵۹: ۴-۵۳)

اگرچه قاضی احمد اظهار نکرده است که قرآن‌های منسوب به آن حضرت را که از آن‌ها یاد کرده متعلق به شاه عباس است، ولی ممکن است یکی از آن‌ها همین باشد که شاه عباس به حرم رضوی اهدا کرده است. او همچنین از نسخه‌ای متعلق به شاه طهماسب یاد کرده است. ممکن است این همان نسخه محفوظ در مشهد باشد که رقم امام حسن(علیه‌السلام) دارد. (گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۷-۸)

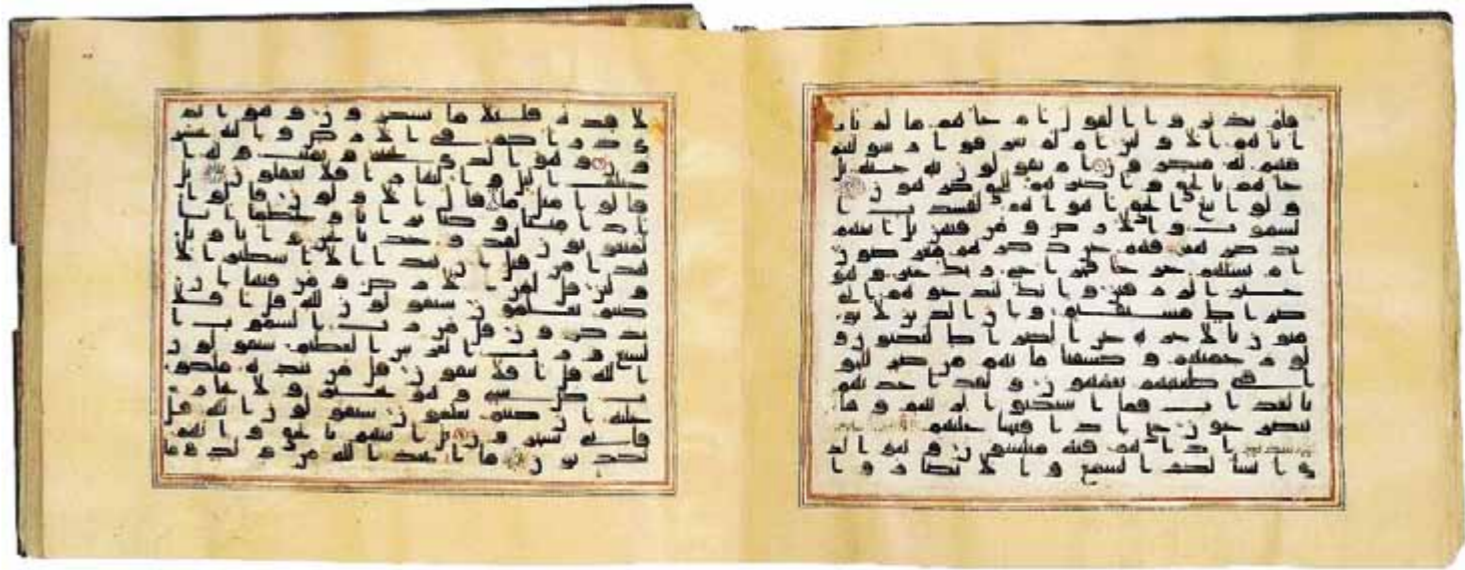
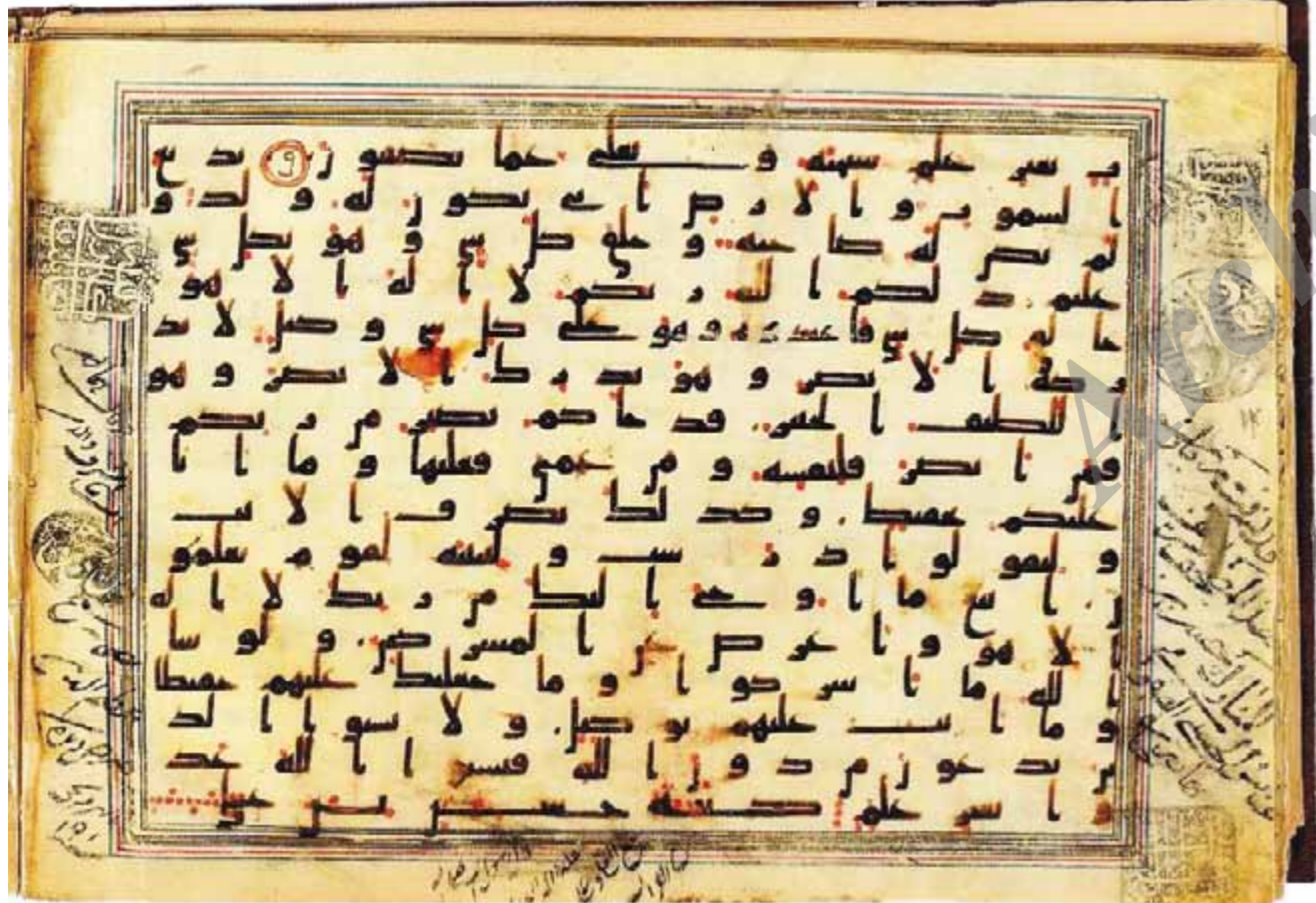
نمونه ۳

شانزده سطر خط کوفی نوشته شده بر این برگ قرآن از اواسط سوره ششم، آیه ۱۰۰ تا آخر آیه ۱۰۸ را در برمی‌گیرد که در انتها به رقم حسین بن علی(علیه‌السلام) ختم می‌گردد. متن را با چهار جدول حاشیه‌ای به رنگ آبی و قرمز که بعداً به نسخه افزوده شده، قاب‌بندی کرده‌اند. چپ، راست و پایین جدول جای پنج مهر و چهار یادداشت کتاب‌داران به چشم می‌خورد. دو یادداشت به‌طرز خوانایی تاریخ نوشته‌های کتاب‌داران نشانه عددی ۱۹۱ را دارد که احتمالاً به ۱۰۹۱ق/ ۱۶۸۰-۱ یا ۱۱۹۱ق/ ۱۷۷۷-۸ م بر می‌گردد. در یک صفحه از قرآنی منسوب به امام‌رضا(علیه‌السلام) در مشهد، مهرها بر ارزش و اهمیت نسخه دست‌نوشته‌های مرقوم امامان شیعه گواهی می‌دهد. (گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۲۱-۱۷) با این حال مشکلات مربوط به تاریخ‌گذاری درباره نسخه‌های مربوط به قرون هفتم تا نهم میلادی/ اول تا سوم هجری احتمال ارتباط این نسخه‌ها با ائمه را رد می‌کند.

بررسی دقیق نسخه‌ها نشان می‌دهد آخرین خط که دربردارنده سیزده واژه نخست آیه ۱۰۸ از سوره شش

است کلمات «کتبه حسین بن علی» به پیکر اصلی نسخه افزوده شده است. به‌علاوه در نسخه محفوظ در مشهد رقم «امام علی بن موسی الرضا» پنج ضرب مهر و دو توضیح به خط نسخ در نوار باریک پایین صفحه پس از آیات با خطوط حاشیه‌ای دیده می‌شود. از بررسی متن هر دو قرآن مشهد و این نسخه این سؤال همچنان باقی می‌ماند که امام این نسخه را چه زمانی رقم زده و مهرها کی به آن افزوده شده است؟ در حالی که جزوهای قرآن مشهد که دربردارنده نام «علی بن ابی طالب(علیه‌السلام)» یا «امام حسین(علیه‌السلام)» است در سال ۶۰-۱۵۹۹م / از سوی شاه عباس وقف شده، جزو قرآن امام‌رضا(علیه‌السلام) در ۲۰-۱۹۱۹م از سوی محمدرضا شاه پهلوی وقف شده است. خصوصیات و تنظیم برگه قرآن مرقوم امام‌رضا(علیه‌السلام) بسیار به نسخه منسوب به امام حسین(علیه‌السلام) شبیه‌تر است تا نسخه وقف شده شاه عباس به حرم. بدون بررسی و تحقیق دقیق و کامل از هر دو صفحه تنها می‌توان حدس زد که رقم امامان همراه با مهرها زمانی بین قرن هفدهم/ یازدهم هجری و بیستم / سیزدهم هجری به نسخه‌ها افزوده شده است.^۱

(تصویر ۱۲) صفحه‌ای از یک جزو قرآن ده برگ و شانزده سطر در هر صفحه عراق، قرن نهم میلادی/ سوم هجری مجموعه خصوصی.



دو صفحه قرآن یا هفده سطر سوره مؤمنون: آیات ۹۱-۶۸ (تصویر ۱۱) عراق قرن نهم میلادی/ مرکب بر پوست نمونه چهل ستون اصفهان



کتاب نامه:

۱. مشخصات کتاب چنین است:
Shah Abbas and the remaking of Iran, London, British museum (۲۰۰۹). Sheila.R. canby
۲. سبکتکین غزنوی در سال ۹۹۵ م به حرم حمله کرد اما جانشینش محمود آن را مرمت کرد.
۳. به نقل از یادداشت‌های ابن بطوطه در سال ۱۳۳۳ م.
۴. گفته اند داستان هزار و یکشب را در عصر خلافت هارون نوشته اند. (مترجم)
۵. در این زمان فرهاد خان قراملو حامی خوشنویسان مشهور آن زمان علیرضا عباسی و میرعماد بود.
۶. مسئولان حرم متذکر شدند این تزئینات میناکاری است نه کاشی لعابدار.
۷. این دو لوح سنگی در مقبره هارون به نمایش در آمده است اما متعلق به این بنا نیست.
۸. سود آور (۱۹۹۲: ۲۶۹) او را به سبب شباهت به تصویر درویشی به نام غیاث سمنانی که رضا یک سال پیش کشیده بود درویش خوانده است. با این حال ریش غیاث خاکستری رنگ می‌نماید و صورتش متفاوت از این تصویر کشیده شده است
۹. مهرهای نسخه مشهد تاریخ ندارد. که حاکی از آن است رقم و ضرب مهر در اواسط قرن سیزدهم / اوایل بیستم به نسخه افزوده شده است. با در نظر گرفتن این واقعیت که آخرین سطر از سوی صفویان ضرب مهر نشده و آخرین مهرها بسیار از تاریخ وقف فاصله زمانی دارد رقم بایستی در اوایل قرن بیستم / قرن سیزدهم به نسخه افزوده شده باشد. با این حال، آیات نسخه به وسیله نقطه‌هایی از هم جدا شده که مطابقت دارد با نسخه‌ای که طبق تحقیق دروش (۱۹۹۲: ۳۶) منسوب به عثمان خلیفه سوم است. (زین‌الدین، ۱۹۶۸: ۲۱) حال باز با توجه به اینکه این امضاها اعتباری ندارد سوال دیگر این است که آیا تمام برگه‌ها بی اعتبار است؟
- Farhat, May (۲۰۰۲). Islamic piety and dynastic Legitimacy: The case of the Shrine of Ali b. Musa al-Rida in Mashhad. (۱۰th-۱۷th century) phD. Harvard University.
- Canby, Sheila (۲۰۰۷). "Royal Gifts to Safavid shrines" in: Murraqa' sharqi, ed. s. Rastegar and A. Vanzan, Milan, ۲۰۰۷.
- Szupper, Maria (۱۹۹۵). La Participation des Femmes de la famille royale a l'Exercice du Pvoir en Iran Safavid au XVIe Siecle (second partie) : L'Entourage des Princess et leurd Activites Politiques" studio Iranica ۲۴، ۶۱-۱۲۲.
- Soudavar, abdollah (۱۹۹۸). A chinese Dish from the last Endowment of Princess Sultanum" in: Iran and Iranian studies in honor of Iraj-e Afshar, ed. Kambiz eslami, (Princeton, ۱۹۹۸) ۱۲۵-۳۴
- Eskandar beg Munshi. History of Shah Abbas the Great, ۲ vol, trans. Roger M. Savory, (Blouder, co)
- Melville, Charles (۱۹۹۶). Shah abbas and the pilgrimage to Mashhad" in: safavid Persia, ed. charles Melville (London and newyork), ۱۹۱-۲۲۹.
- R.D MsChesney (۱۹۸۱). "Waqf and public Policy" The waqf of Shah Abbas ۱۰۱۱-۱۰۲۳" Asian and African studies, vol. ۱۵، ۹۰-۱۶۵.
- Blair, Sheila (۲۰۰۶). Islamic calligraphy, (Edingbourg, ۲۰۰۶).
- Qadi Ahmad, galligraphers and painters, trans v. minorsky (Washington D.C).
- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷). راهنمای گنجینه قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی.